

پشت دیوار بلند طلاق

برگرفته از تجارب واقعی زنان بعد از طلاق

"درد استفاده محققان، دانشجویان حوزه سلامت و عموم مردم"

با مقدمه‌ای از:

دکتر عبدالله گیویان

رئیس مرکز پژوهش و اسناد

و سرپرست مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان:

دکتر سارا زارعی (استادیار و عضو هیئت علمی، انجمن علوم پزشکی زنجان)

دکتر عفت السادات مرقاتی خویی (استادیار و عضو هیئت علمی، علم پزشکی تهران)

دکتر محمدحسین تقدیسی (استاد و عضو هیئت علمی، علوم پزشکی ایران)

دکتر داود شجاعی زاده (استاد و عضو هیئت علمی، علوم پزشکی تهران)

دکتر مهناز صلحی (دانشیار و عضو هیئت علمی، علوم پزشکی ایران)

عنوان و نام پدیدآور : پشت دیوار بلند طلاق: برگرفته از تجارب واقعی زنان بعد از طلاق "مورد استفاده محققان، دانشجویان حوزه سلامت و عموم مردم" / نویسندگان فاطمه زارعی... [و دیگران]؛ با مقدمه‌ای از عبدالله گیویان.

مشخصات نشر : تهران: مشق شب، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : [۱۱۲] ص.

شابک : 978-600-7252-39-0

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : نویسندگان: فاطمه زارعی، محمدحسین تقدیسی، داود شجاعی‌زاده،

مهناز صلیحی، عفت‌السادات مرقاتی‌خویی، فاطمه شریف‌نژاد.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۱۱-۱۱۲].

موضوع : طلاق

موضوع : متارکه (روان‌شناسی)

موضوع : طلاق -- ایران-- جنبه‌های اجتماعی

موضوع : طلاق -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع : طلاق گرفتگان-- ایران

موضوع : زنان مطلقه

شناسه افروده : زارعی، فاطمه، [دکتر]، ۱۳۵۶ -

شناسه افروده : گیویان، عبدالله، ۱۳۳۹ - ، مقدمه‌نویس

رده بندی کنگره : ۱۲۹۴ پ/۵ HQ۸۱۹

رده بندی دیویی : ۳۰۶/۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳ ۱۵۸



مؤسسه انتشاراتی مشق شب

نام کتاب: پشت دیوار بلند طلاق (برگرفته از تجارب واقعی زنان بعد از طلاق)

تألیف: دکتر سارا (فاطمه) زارعی، دکتر عفت‌السادات مرقاتی‌خویی، دکتر محمدحسین

تقدیسی، دکتر داود شجاعی‌زاده، دکتر مهناز صلیحی

نویسنده داستان پایانی: فاطمه شریف‌نژاد

نظارت بر امور اجرایی: رضا هوشمند

طرح جلد: مجتبی درویشی کهن

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

چاپ: مشق شب

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۲-۳۹-۰

تماس با نویسنده: f.zarei@zums.ac.ir / sarazarei.com@gmail.com

وبسایت نویسنده: www.sarazarei.com

نشانی مرکز نشر و پخش:

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس، ساختمان آنا تول فرانس (شماره ۳) واحد ۱۱

تلفن تماس: ۱۷ - ۶۶۹۶۲۵۱۶ - ۶۶۴۸۸۸۲۰

www.mashgheshabpub.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمه ناشر
۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه نویسنده
۱۹	بخش اول - معنای طلاق: از واقعیت تا حقیقت
۳۳	بخش دوم - زندگی خاموش: تبیین تئوریک طلاق عاطفی
۴۵	بخش سوم - پشت دیوار طلاق: تبیین پیامدهای طلاق
۸۷	بخش چهارم - طلاق پایانی برای آغاز: تبیین طلاق از سه راه
۹۳	بخش پنجم - قصه سیما: تجربه زیست‌شده طلاق
۱۰۰	فهرست منابع

مقدمه ناشر

نگاه پژوهش محور و به دور از بغض ها و حسن نظرات جنسیتی دکتر سارا زارعی را تحسین می کنم و شجاعت سرک کشیدن و نظاره و نگارش ماجرای پشت دیوار این اتفاق دلهره آور و استرس زا، یعنی طلاق را موفق ارزیابی می کنم.

همانگونه که پیش گفتار استاد معظم دکتر عبدالله گیویان رئیس مرکز پژوهش و اسناد و سرپرست مرکز افکار سنجی دفتر رئیس جمهور برمی آید، دکتر زارعی توانسته از تحقیق، تجربه و مطالعه میدانی، به جمع بندی قابل درستی ربحش زندگی خانم ها، پیش از طلاق برسد و جادارد در ادامه این پژوهش و در آینده، با دست مایه قرار دادن بردار و روندی پیش از طلاق، به نقطه عطف خوبی برسد که با توجه به روانی قلم و قدرت انتقال واگوئی های زنان معاصره و مبنای منسجم؛ جز این هم انتظار نمی رود.

پشت دیوار بلند طلاق پرداختن به کنه اجرای است، که می تواند ابعاد گسترده تری از خود طلاق داشته باشد. به بیانی طلاق، رها شدن زن از قید نکاح، به عبارت قرار داد است و از آنجا که افراد نسبت به باقی ماجرا عرفانی ندارند، معمولاً دچار سردرگمی و عقب گرد و شکست می شوند.

عناصر متعددی در کنار روانی قلم توانسته است مجموعه در عنوان "پشت دیوار بلند طلاق" را خواندنی کند؛ مواردی همچون انتخاب افراد مورد بررسی، ارتباط صحیح و غرض پرش های هدفمند و اشراف به موضوع طلاق و روابط خانوادگی، از اهم مواردی است که می توان یاد آوری کرد.

مطالعه، خوانش و درک مفاهیم کتاب را به شما پیشنهاد می کنم، چرا که تجربه بی نهایت شده طلاق و بررسی موضوع واقعیت های موجود تا حقیقت مطلق، تصویری ارائه می دهد که ممکن است خودمان را در جاهایی به نظاره بنشینیم و این یعنی هدف نویسنده که همانا درک خواننده و پیش آمد چالش و برون رفت از آن با راهنمایی ها و مشاوره های ارائه شده است.

و در نهایت پیش سخنی است برای تصمیم سازی که به سلامت جامعه می اندیشند. جامعه ای که سلامت خود را در پرتو سلامت روانی و جسمی زنانش به دست می آورد و به راستی می توان گفت جامعه ای سالم، پیشرفته و رویه توسعه در ابعاد مختلف خواهد بود که انسان های سالم داشته باشد و برای رسیدن به چنین اجتماعی نخست سراغ زنان جامعه باید رفت.

پیشگفتار

رنج‌هایی که می‌بریم و غم‌هایی که می‌خوریم نتیجه زندگی جمعی ماست و این فرهنگ ماست که با معنا کردن آن رنج‌ها و حرمان‌ها به ما می‌گوید چگونه وضعیت خود را فهم و آن را مدیریت کنیم. واقعیت این است که هر فرهنگ، آگاهی خاصی برای خود دارد؛ الگوهایی که بر ساخته می‌شوند و به نوبه خود فرهنگ را باید برآمده‌ای از این الگوها دانست. این فرهنگ ماست که به ما می‌آموزد که چه چیز، چگونه "رنج‌آور" است؛ به چه شکل باید آن را "کار" یا "پنهان" کرد و چگونه درد ناشی از آن را باید "فروخورد" یا "از کنار آن باید گذشت" یا "تحملش کرد" یا در مواجهه با آن چگونه باید "براشوبید" و "پرخاش کرد" و ابعاد آن را "آشکار" و "افشا کرد".

شیوه‌های عمل ما و برآیندهای آن‌هاست که به نوبه خود، فرهنگ جایزه‌رسانی و امروزین ما را می‌سازد و جایگاه ما را در جامعه متلاطم امروزی مشخص می‌کند.

دگرگونی‌های عمیق و سریع در جوامع بشری و به عبارت دقیق‌تر طوفان‌هایی که اجتماعات گوناگون انسانی را درمی‌نوردد، موقعیت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند که در کارآمدی الگوهای حسی آشنا را دچار اختلال می‌کند. الگوهای حسی چهارچوب‌های کنش فرهنگی و درواقع ابزارهایی برای ابراز و انتقال ارزش‌های فرهنگی است. زمانی که این الگوها و در نتیجه نظام‌های همیاری و حمایتی گذشته کارایی خود را از دست می‌دهند و نظام‌های جدید حمایتی به درستی استقرار نمی‌یابند، فرد دچار وازدگی و احساس وانهادگی می‌شود. متأسفانه برخی کاوشگران علم الاجتماع و نهادهای پژوهشی هم که بنا بر تعریف می‌باید درگیر واقعیت‌های واقعی جاری در لایه‌های مختلف زندگی باشند، گرفتار مباحث نظری و مفهوم‌پردازی‌های ذهنی شده‌اند و مبتلایان به دردهای ناشی از زندگی جمعی و قربانیان بحران‌های اجتماعی را به حال خود رها کرده‌اند.

یکی از آرزوهای گرانسنگ پژوهندگان دانش‌های انسانی عبور از حصارهای دانشگاه و ورود به عرصه‌هایی است که زندگی واقعی در آن جریان دارد. درک دردهایی که مردم را می‌گیراند و شادی‌هایی که خنده بر لب‌هایشان می‌نشانند از هدف‌های پژوهشگرانی است که تلاش می‌کنند خود را از قفس تنگ نظریه‌ها و مفهوم‌پردازی‌های کلیشه‌ای برهانند. این گروه می‌کوشند با مراجعه به واقعیت و نگریستن بر امور از زاویه دید کنشگران، به جاری زندگی نقب بزنند و از این دریای موج‌گهر فهم صید کنند. یکی از این دسته‌ها مردم‌نگارانی هستند که نیل به دانش را در گروی رجوع به مردم و مبتلایان به دردهای جمعی می‌دانند.

طلاق، همان گونه که در خلال این کتاب تشریح شده است، خواه در مقام یک "مفهوم تجربه شده" و خواه در جایگاه یک "فرآیند تجربه شده" پدیده‌ای است که از آن به "آوار"، "خار" و "زخم درون" یا "رنج معنی‌دار" و "ترای" سیب‌زا تعبیر شده است. تلاش برای فهم این پدیده از چشم و منظر مبتلایان به آن و نه از زاویه مندرس نظریه و تفهیم پردازی‌های وارداتی، از شرافت‌های کتاب حاضر است. می‌شود بر بلندای برج عاج قانون‌نویسان این خداداد را که جامعه امروزی ما از منظر آن از زمره برترین‌ها به حساب می‌آید! توصیف کرد و بعد از آن اعتنا اداری به خنده لب‌گشود و راحت زیست و درد دردمندان را به خودشان وانهاد. هم می‌شود با اتکال به نظایرهای وارداتی و چنگ زدن بر دامن مندرس مفاهیم کلیشه شده علم الاجتماع گروهی را که دچار "انحراف اجتماعی" شده‌اند بررسی کرد. یعنی به سادگی می‌شود پس از پذیرش "مدل" "فلان نظریه پرداز"، پرسش‌هایی برگرفته از نظریه ایشان تدارک کرد و به "گردآوری فکت‌ها" پرداخت. سپس با تمسک به حضرت "اس بی اس اس" می‌شود "بیطرفانه"، "کاملاً بیطرفانه" نشان داد بین کدام یک از "متغیرهای جمعیت‌شناختی" "جایگاه شناختی" یا پدیده طلاق همبستگی وجود دارد یا در مراتب بالاتر می‌شود با مدد جستن از "بررسی‌های چند متغیره" و "تحلیل مسیر" نشان داد کدام "مؤلفه‌ها" با چه "وزنی" در بروز این پدیده چه "تأثیری" دارد. گزارش عدم همبستگی می‌شود اما محقق، خسته از تدابیر فنی و شادمان از به پایان بردن فرآیندی پر هیاهو، اما سرشار از حسرت، پس از آن که درکی از معنای "رنجی" که برده‌اند و خواهند برد، و "زخمی" که خورده‌اند و خواهند خورد" میدان را ترک می‌کنند.

اگر اولیای خدا برای وصل کردن آمده باشند و اگر جان‌های انسان‌های خدایی متحدان و اگر ناله‌های فطرت‌های ما از جدایی هاست، مطالعه رواج مهار گسیخته طلاق باید چیزی بیشتر از بررسی "بیطرفانه" موضوعی برای رفع کنجکاوی و صرفاً "داشتن اطلاعات" درباره آن باشد. طلاق رنجی است که باید آن را حس کرد، باید آن را در نهانخانه جان مبتلاشدگانش لمس کرد و این‌ها نمی‌شود مگر با درک الگوهای حسی که فرهنگ ما آن‌ها را برای ابراز و انتقال ارزش‌هایش در اختیار مبتلایان و شاهدان طلاق گذاشته است. مطالعه رواج طلاق، مستلزم مطالعه غیبت "عشق" در عمیق‌ترین و آسمانی‌ترین رابطه انسان خاکی

در جامعه معاصر ماست؛ جامعه‌ای که به گمان من الگوهای حسی و نظام‌های ارزشی ما در مدیریت دگرگونی‌های تحمیلی آن دچار ناکارآمدی شده‌است.

همچنین در این مجال مختصر می‌خواهم از پژوهشگران درخواست کنم که پدیده "طلاق" را خارج از چهارچوب جنسیت‌گرایی نیز بررسی کنند. گرچه این نظر کاملاً پذیرفتنی می‌نماید که قربانیان طلاق در وهله نخست زنان جامعه هستند، نباید پی‌آمدهای آن در میان مردان را به محاق فراموشی سپرد. تنها گرایش‌های مردسالارانه نیست که این پدیده را به رنجی زنانه تبدیل می‌کند، بلکه این معضلی انسانی است که در غیاب توجه به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، ممکن است راهی جز به شعارستان‌های سانتیمانتال نباشد.

همت خیری که تألیف این کتاب را دامنش شده است جای تقدیر دارد. می‌توان آن را نقطه آغازینی برای سراغ گرفتن همدردانه در ده‌های مردم دانست؛ مردمی که از مابه‌عنوان اهالی فرهنگ توقع دارند تا به آنان بی‌طرفانه نگاه نکنیم، چرا که هیچ‌کس ما را نیست که بی‌تفاوتی را از پرستار خود پسندیده بیانگارد.

دکتر عبدالله گویا

رئیس مرکز پژوهش‌های اسناد

وسرپرست مرکز افکار سنجی دفتر رئیس‌جمهور

مقدمه نویسنده

طلاق یک تغییر پیش‌بینی نشده در ترکیب خانواده است که عواقب بلندمدت بر فرد و جامعه دارد. طلاق به معنی لغو وظایف و مسئولیت‌های آئینیه، ردواج و جدا کردن شرکای زندگی است.^۱ اگرچه، تعاریف یکسانی از طلاق از نظر لغوی و قوانین حقوقی وجود دارد، اما با توجه به پیچیده بودن پدیده طلاق، ظهور و درک این پدیده در بسته فرهنگی هر جامعه تفاوت دارد. مبتنی بر آمارهای جهانی، میزان طلاق از سال ۱۹۷۰ تا اوایل دهه هشتاد در جهان به اوج خود رسید، به‌طوری‌که نرخ خام طلاق در آمریکا از ۲/۲ در سال ۱۹۶۰ به ۴/۱ در سال ۱۹۸۰ رسید و سپس بعد از اوایل ۱۹۸۰ در سال ۲۰۰۸ به ۳/۵ کاهش یافته، اما همچنان یکی از محتمل‌ترین رویدادها در چرخه وقایع حیاتی است.^۲

طلاق در ایران روند افزایشی دارد. درصد خانوار برحسب جنس سرپرست خانوار حاکی است جمعیت زنان سرپرست خانوار از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ از ۷ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافته است و این نسبت، گویای افزایش نرخ طلاق و تک‌سرپرستی شدن نهاد خانواده است. بر اساس آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۹۰، تعداد بی‌همسران زن بر اثر طلاق در کشور بین جمعیت بالای ده‌ساله دو برابر مردان و ۴/۱ درصد است. ایران در حال حاضر رتبه چهارم میزان طلاق در جهان

1. Chiriboga and Catron, 1991

2. United States Census Bureau, 2012

را داراست، به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۹ از هر چهار ازدواج در تهران، یک طلاق رخ داده است.^۱ طلاق در زنان ایرانی یک فرآیند محرومیت‌زای اجتماعی است و نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی، به‌دوش کشیدن انگ اجتماعی، از دست دادن حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، طردشدگی خانوادگی و اجتماعی و آسیب به سلامت را از مهم‌ترین پیامدهای این فرآیند محرومیت‌زا است و این در حالی است که فرآیند محرومیت‌زایی طلاق فراتر از مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی، بلکه در عوامل اجتماعی - فرهنگی ظهور پیدا کرده است.

به‌نظر می‌رسد، طلاق پدیده‌ای پیچیده‌تر از جدایی دو نفر و ورای پیامدهای روانشناختی و فردی است. لذا درک و کشف آن طلاق و پیامدهای منتج از آن، نگاهی عمیق و کنکاشگرانه برگرفته از جارب و ادراکات زیست‌شده را می‌طلبد.

از آنجایی که امروز یک تهدید درک‌شده برای سلامت زنان است، هرگونه برنامه‌ریزی در راستای ارتقای سلامت زنان مبتنی بر بستر فرهنگی جامعه، ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین نقش آموزش‌دهندگان سلامت در جهت آگاه‌سازی، ایجاد نگرش مطلوب و رفتار سلامت‌محور در مدیریت طلاق اساسی است.

سارا زارعی
۱۳۹۵